

نقیب‌زاده، محمد

بررسی دیدگاه‌های علوم قرآنی شهید آیت‌الله مطهری *

سال دفاع: ۱۳۸۲

راهنما: محمود رجیبی

مشاور: علی‌اکبر بابایی

چکیده

با وجود تحقیقات و کاوش‌های بسیار درباره شخصیت علمی شهید مطهری، هنوز ابعاد قرآن‌پژوهی استاد، به‌خوبی شناسانده نشده است. رساله حاضر، حاصل جست‌وجو در آثار استاد، جهت ارائه و تحلیل برخی اندیشه‌های علوم قرآنی و تفسیری معظم‌له است. استاد مطهری، در باب ماهیت وحی، بر پایه نگاهی فیلسوفانه معتقد بود روح قدسی پیامبر، در قوس صعود با رویکرد به عالم غیب، حقایقی را دریافت می‌کند و در قوس نزول، آن حقایق، با تنزل در مراتب وجود پیامبر، به صورت امری حسی درمی‌آید.

مشخصه‌های وحی پیامبران، از منظر استاد عبارت‌اند از: دریافت باطنی، فراگیری از معلمی غیربشری، توجه آگاهانه به منبع غیبی، و ادراک واسطه وحی.

موضوع اعجاز قرآن، مفصل‌ترین بحث علوم قرآنی آن شهید عزیز است. به نظر ایشان دلالت معجزه، دلالت عقلی و استدلالی، چونان دلالت حدوث حادث بر علت، و از نوع دلالت برهانی - نه اقماعی - است. استاد بر اساس تأملات دقیق فلسفی و با استشهاد به آیات و روایات، علت ایجادکننده معجزه را نفس پیامبر، به اذن خداوند می‌داند. وی، درباره اعجاز قرآن، یکسو نگری را مردود دانسته و با بهره‌گیری از آیات قرآن به وجوه مختلفی از اعجاز معتقد است. از این‌رو در آثار ایشان، دست‌کم پنج وجه اعجاز، قابل استفاده است که در برخی از آنها بیان استاد، ابتکاری است.

ایشان در پاسخ تفصیلی به برخی مستشرقان و روشن‌فکران مسلمان، که قرآن را تنها معجزه پیامبر معرفی کرده‌اند، چنین ادعایی را برخلاف صریح قرآن مبنی بر نقل معجزات دیگر پیامبر دانسته است و درباره آیات مورد استدلال آنان معتقد است این قبیل آیات از بهانه‌جویی یا سودطلبی برخی تقاضاکنندگان معجزه حکایت دارد.

استاد پس از تعریف محکم و متشابه، حکمت وجود متشابهات در قرآن را در ساختار مفاهیم معارفی آن بیان کرده است؛ با این توضیح که چنان مفاهیمی، با الفاظ بشری که برای موضوعات مادی وضع شده‌اند، به‌طور کامل قابل بیان نیستند. از این رو قرآن از زبان تمثیل و نمادین بهره برده است.

معظم‌له نسخ را، لغو دستور اول و صدور دستوری به‌جای آن، معرفی کرده است. حکمت نسخ نیز از مجموع بیانات ایشان، چنین برداشت می‌شود: گاهی مصالح و مفاسدی که در سلسله علل احکام‌اند، به جهت مقتضیات زمان، محدود به وقتی معین می‌شوند. شارع نیز با علم قبلی به آن اقتضانات، حکمی را موقتاً تشریح می‌کند، ولی با انقضای آن شرایط، زمان حکم نیز به انجام می‌رسد و حکمی متناسب با شرایط جدید اعلام می‌شود. استاد در مورد تعداد آیات ناسخ و منسوخ، از افراط و تکتیر موارد، و تفریط در انکار آن، پرهیز کرده است. در خصوص مبانی تفسیر نیز از آثار استاد، مبانی زیر به دست می‌آید:

۱. برخلاف دیدگاه اخباریان، تفسیر قرآن، ممکن و جایز است؛
۲. بنا به ادله قطعی تاریخی و برخی آیات، قرآن از تحریف، مصون مانده است؛
۳. زبان قرآن، ترکیبی و چندساحتی است. از این رو در عین کاربرد زبان عرفی، از زبان نمادین نیز بهره برده است؛
۴. قرآن کتاب هدایت است و جامعیت آن نیز در همین راستا، تعیین می‌یابد. استاد در موضوع قواعد تفسیر، ضمن توجه دادن به قواعد ادبیات عرب، بر اعتبار فرایینی چون سیاق، فضای نزول، آیات دیگر و روایات تکیه کرده، و در بطن و تأویل

قرآن به بیانات روایی، اکتفا کرده است. در مورد روش تفسیر استاد مطهری نیز شاید بتوان شیوه جامع‌نگر و فراگیر را روش غالب بر تفسیر ایشان دانست که با هدف انعکاس همه جنبه‌های تفسیر، همچون تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به روایات، عقل‌گرایی در تفسیر، تحقیقات واژه‌شناسی، رعایت اعتدال در تفسیر علمی، و طرح مباحث اجتماعی، به روشنگری در تبیین آیات پرداخته‌اند.